

مقایسه فرهنگ حیا زنان در ایران باستان و اسلام براساس متون معراجی

طاهره رحیم پور ازغدی^۱، عطیه دوستکام^۲

چکیده

بیش از آنکه پوشش ایرانیان متأثر از فرهنگ اسلامی باشد، سنتی فرهنگی و مذهبی از دوره باستان و تسلط فقهی و اخلاقی دین زرتشتی بود. براساس متون اوایل دوره زرتشتی که انعکاس دهنده مسائل اخلاقی و فقهی هستند، می توان به مسائلی پی برد که نشان دهنده قبح مصادیق بی عفتی و تبرج زنان در جامعه هستند. این امر به ویژه در متن معراجی زرتشتی ارداویراف نامه مشخص است. شبیه به این مسئله در متون مشابه اسلامی مانند حدیث معراج مشاهده می شود. این شباهت در مسائلی مانند تبرج و بی عفتی است، اما بسیاری از موارد سخت گیرانه دین زرتشتی به خصوص در مورد مسائل شخصی زنان در متن اسلامی وجود ندارد. از این رو، این پژوهش به دنبال مقایسه فرهنگ حیا زنان در ایران باستان و اسلام بر اساس متون معراجی است. برای این منظور دو متن ارداویراف نامه و حدیث معراج انتخاب شده و مواردی که دغدغه این پژوهش هستند، به صورت کمی مورد بررسی قرار گرفته اند. بر این اساس نویسندگان به این نتیجه رسیده اند که در مسائلی که به تزلزل خانواده می انجامد شباهت هایی بین این دو متن وجود دارد، ولی در مسائل زیستی و روزمره زنان دین اسلام رویکردی آزادانه تر دارد.

واژگان کلیدی: ارداویراف نامه، حدیث معراج، حیا، زنان، گناه

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد. (نویسنده مسئول)، rahimpoor@um.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده معارف دانشگاه رضوی مشهد، atiehdoostkam@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

مقدمه

زنان به منزله نیمی از جمعیت هر جامعه و در نگاهی حداقلی مولدان و مدبران مسائل داخل خانه، برای هر جامعه‌ای قابل توجه بوده و مانند مردان دستوراتی برای ایجاد نظم و قواعد اخلاقی برای آنها وجود داشته است. ازاین‌رو، توجه به زنان منحصر به جریان زنانه‌نگر نیست؛ اما این توجه لزوماً به معنای تأکید بر حقوق زنان نبوده است. در جامعه پیشامدرن، بسته به شرایط زیستی و اجتماعی، قواعدی طرح می‌گردید تا باعث ایجاد نظم در قالب قانون و مقررات در جامعه گردد. (دورکیم، ۱۳۹۱: ۲۵) ازاین‌رو، بررسی قواعد هر جامعه در مورد زنان می‌تواند نظم اجتماعی آن جامعه را در قبال زنان، هنجارها و ناهنجارها بیان دارد. در متن مقدس اسلامی (قرآن و حدیث) توصیه‌های مستقیم و غیرمستقیمی به مسئله حیا و عفت زنان شده است. ازاین‌رو، در بادی امر شباهت زیادی به حیا در دین زرتشتی دارد؛ هرچند سختگیری‌های دین اسلام در این مورد به اندازه دین ایران باستان نیست. شباهت دیگری که می‌توان در این مسئله میان دو دین یافت، توصیفاتی عینی است که در روایات معراجی در مورد عواقب بی‌حیایی و بی‌عفتی ذکر شده است. ازاین‌رو، می‌توان هم از نظر محتوا و هم از نظر کارکرد اشتراکاتی در مسئله حیا و هنجارهای آن میان دو دین دید. دین زرتشتی به‌طور اخص در زمان ساسانیان نظم و نسق اجتماعی را برقرار می‌کرد. ازاین‌رو، برای تدوین این نظم، کتب متعددی مربوط به فقه، اخلاق و قوانین در آن دوره تدوین گردید. یکی از متونی که به بیان هنجار و ناهنجار پرداخته است، ارداویراف نامه، حکایت سفر ماورائی موبدی است که در پی تشریح آرای که در دین زرتشتی، در دوره ساسانی پیش آمد (آموزگار، ۱۳۹۶: ۱۶۴)، به انتخاب موبدان، به قصد باز یافتن حقیقت و آگاه شدن از چگونگی دنیای پس از مرگ، راهی جهان آخرت شد (بهار، ۱۳۹۶: ۲۹۹؛ حیدری، احمدی تبار، ۱۳۹۳: ۱۲۶) تا پس از مراجعت، دیده‌های خود را بیان کرده و غبار تردید از آینه دین زرتشت بزداید. در این کتاب به‌طور مختصر به بهشت و به‌طور مفصل به جهنم پرداخته می‌شود. با توجه به تعداد محدود فرگردهای بهشت، زنان جایگاه پررنگ‌تری در جهنم دارند. بررسی انواع گناهان و میزان عذاب‌های آنها، سامان اخلاقی جامعه زرتشتی

در مورد زنان را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد بیشترین ناهنجاری زنان در متن ارداویراف نامه، مربوط به عدم اطاعت از شوهر است که با توجه به تبعات این سو اخلاق در اجتماع و تزلزل نهاد خانواده می‌توان ارتباط معناداری میان آنها و ناپاک دامن‌ی یافت. البته باید مدنظر داشت به علت مردسالاری جامعه زرتشتی، زنان نقش چندانی در متن ارداویراف نامه نداشته باشند. به دلیل سامانمندی جامعه زرتشتی، از میان گناهان زنان، بیشترین تعداد مربوط به گناهانی است که تبعات سوء اجتماعی در پی داشته و ناشی از پیوند آنها با مسائل جنسی است. ازاین‌رو، می‌توان بیان کرد، گناهانی که اثرات آنها دامن‌گیر جامعه می‌شد، بیشترین شدت عذاب را به خود اختصاص می‌دهند. مهم‌ترین هنجارها براساس میزان و شدت عذاب‌ها، حفظ نظم اجتماعی، عفت عمومی و فردی است.

در این مقاله از روش آمار توصیفی بهره گرفته‌اند. نگاه کمی به این مسئله، از سویی امکان آزمون روش و در نتیجه پایایی در بردارد و از سوی دیگر برای تبیین و ارزیابی، نتیجه‌ای عینی در پی دارد. باید مدنظر داشت که داده‌های معراجی در مورد زنان در متون اسلامی بسیار کمتر از ارداویراف نامه است؛ ازاین‌رو نمی‌توان مانند ارداویراف نامه شدت عذاب را به شکلی معنادار کمی نمود-تحلیل این عدم داده در متن آمده است- با این حال تلاش شده با استفاده از منابع دیگر حدیثی شیعه داده‌های کیفی مکفی برای آزمون این مسئله گردآوری شود. در میان پژوهش‌های به عمل آمده تاکنون مقاله‌ای به تطبیق مسئله حیا در متون معراجی اسلامی و زرتشتی پرداخته است. ازاین‌رو، می‌توان به تعداد بسیاری پژوهش دست یافت که از نظر کیفی به ارداویراف نامه یا حدیث معراج پرداخته‌اند که از مسئله این مقاله دور هستند.

اشتراک در بافتار اجتماعی حیا

هر امر اخلاقی اعم از بعد دینی و غیردینی آن دارای ابعاد و کارکردهای اجتماعی است. ازاین‌رو، می‌توان برای بسیاری از ارزش‌گذاری‌های دینی خواه در ارزش و خواه در ضد ارزش کارکردهای اجتماعی نیز یافت. در جامعه پیشامدرن که اخلاق زیرمجموعه نهاد دین بود،

نهاد دین برای کنترل اجتماعی و ایجاد انتظام اجتماعی از حسن و قبح اخلاقی ناظر به ثواب و عقاب اخروی برای التزام اعضای جامعه به پیروی از دستورات اخلاقی بهره می‌برد. (دورکیم، ۱۳۹۱: ۱۲) ازاین‌رو، می‌توان در ادیان مختلف مسائل اخلاقی مشترکی یافت که کارکردهای مشابهی در جامعه دارند؛ ازاین‌رو ارزش‌ها و ضد ارزش‌های مشترک برای آنها به وجود آمده است. این ارزش‌ها با تأکیدات و مصادیق ماورالطبیعه مورد تأیید قرار می‌گرفت تا اعضای جامعه را با بازدارندگی فردی (وجدان) در مرحله اول به تقید اخلاقی پایبند کند. در مرحله بعد این بازدارندگی فردی به صورت اخلاقی اجتماعی درآمده و کنترل اجتماعی در پی خواهد داشت (Dimmock, 2017: 159). نظر به این مبنا، در مورد خانواده، اخلاقی در ایران پیش از اسلام و آیین زرتشتی وجود داشت که با ظهور اسلام مورد تأیید دین اسلام نیز قرار گرفت. این اخلاق در مورد مسئله حیا و پاک‌دامنی به‌ویژه برای بانوان مشهود است. اگرچه ادیان به‌صراحت به مسئله کارکردهای اجتماعی تأکید نمی‌کنند و مهم‌ترین هدف را سعادت اخروی می‌دانند؛ می‌توان از خلال روایات به کارکردهای اجتماعی دستورات آنها پی برد. در این مورد یکی از مهم‌ترین کارکردهای اجتماعی اخلاق حیا و پاک‌دامنی به‌مثابه ارزش و ناپاک‌دامنی به‌مثابه ضد ارزش، استحکام نهاد خانواده است. در آیین زرتشتی ناپاک‌دامنی برای مردان و زنان تقبیح شده و علت آن را در بهمن‌یشت، از میان رفتن پیوند خونی میان پدر و فرزندان به آشفتگی در مسئله ارث، حق مالکیت زمین و بی‌اعتمادی اجتماعی ذکر می‌کند:

«الإمام الصادق عليه السلام. لَمَّا سَأَلَهُ الزَّنْدِيقُ: لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ الزِّنَا؟: لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ، وَ ذَهَابِ الْمَوَارِيثِ، وَ انْقِطَاعِ الْأَنْسَابِ لَا تَعْلَمُ الْمَرْأَةُ فِي الزِّنَا مَنْ أَحْبَلَهَا، وَلَا الْمَوْلُودُ يَعْلَمُ مَنْ أُبُوهُ، وَلَا أَرْحَامُ مَوْصُولَةٌ، وَلَا قَرَابَةٌ مَعْرُوفَةٌ»

امام صادق (علیه السلام). در پاسخ به سؤال زندیق که چرا زنا حرام شده است. فرمود: چون مایه فساد و از بین رفتن ارث و میراث و انقطاع نسل است. در زنا، زن نمی‌داند که چه کسی او را حامله کرده و فرزند نمی‌داند پدرش کیست، نه نسب‌ها پیوسته است و نه خویشاوندی‌ها

معلوم است». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲/ ۱۰۳ و ۳۶۸)

این روایت در مورد ورود انیرانیان به ایران است. باین حال می‌توان مهم‌ترین کارکرد آن را مسئله بی‌عفتی است که در این تهاجمات صورت می‌گیرد. در نتیجه می‌توان اهمیت نظام خانواده و حیا به‌منزله ضامن نظام خانواده را از آن دریافت. مشابه این امر در احادیثی از ائمه شیعه در مورد علت تحریم زنا ذکر شده است مانند: «الإمام علی علیه السلام: فَرَضَ اللَّهُ تَرَكَ الزَّيْنَةَ تَحْصِينَ لِلنَّسَبِ، وَ تَرَكَ اللَّوْاطِ تَكْثِيرًا لِلنَّسْلِ» (نهج البلاغة: الحکمة ۲۵۲).

«حُرِّمَ الزَّيْنَةُ لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ مِنَ قَتْلِ الْأَنْفُسِ، وَ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ، وَ تَرَكَ التَّزْيِينَةَ لِلْأَطْفَالِ، وَ فُسَادِ الْمَوَارِيثِ، وَ مَا أَشَبَّهُ ذَلِكَ مِنْ وُجُوهِ الْفُسَادِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷۹، ص ۲۴، ص ۱۹).

چندان که دیده می‌شود در بعد اجتماعی، تحریم زنا ناظر به از میان رفتن نظم اجتماعی بوده است. هرچند که احادیث بیشتری ناظر به شقاوت دنیوی و اخروی وجود دارد که اعضای جامعه را از بی‌عفتی منع می‌کند. آیات پرشماری در قرآن مؤید این احادیث در مورد قبح اخلاقی زنا است. (نساء، آیات ۱۵، ۱۶، اسراء، آیات ۳۲، ۳۸، ۳۹، نور، آیه ۲ و فرقان، آیات ۶۸ و ۶۹) بر همین اساس می‌توان به بی‌عفتی‌های مردانه نیز اشاره کرد که به نظام خانواده، تولیدمثل و تربیت فرزندان آسیب می‌زند. مهم‌ترین این بی‌عفتی‌های مردانه که در هر دو دین تقبیح شده است، همجنسگرایی است. این کار در دین زرتشتی گناهی بزرگ است و مجازاتی شبیه به مجازات اسلامی دارد. از آنجایی که مهم‌ترین کارکرد خانواده از نظر زیستی، تناسل و تربیت فرزندان است، همجنسگرایی مسیری انحرافی است که نه به تولیدمثل ختم می‌شود و نه تربیت فرزندان را در پی دارد؛ همچنین باید مدنظر داشت که در دین اسلام و زرتشتی تعدد زوجات مشروع بوده که هر دو دین برای آن شروطی داشته‌اند. این رویکرد با این امر زیستی منطبق است که یک گونه مذکر می‌تواند باروری‌های متعدد را برای گونه مؤنث انجام دهد، اما گونه مؤنث در هر دوره تنها یکبار امکان بارداری دارد. ازاین‌رو، برای مردان تعدد رابطه جنسی در قالب مشروع تعدد زوجات (بالحاظ تحریم زنا محصنه) در نظر گرفته شده است. این نکته هم مؤید این نگاه چندهمسری است که هر دو دین به زیاد بودن پیروان خود اهمیت می‌دادند؛ ازاین‌رو مردان در این دو دین می‌توانستند ازدواج چندهمسری داشته باشند. در نقطه مقابل آن زنان به دلیل محدودیت زیستی باروری ازدواجشان تک‌شوهری

بود. در نتیجه تحریم‌های شرعی و اخلاقی در هر مسئله‌ای که به امر جنسی و تضعیف نهاد خانواده منجر می‌شد، بیشتر بود. این مسائل اخلاقی و شرعی به جنبه‌های تشویقی و تقبیحی دیگری نیز داشت. برای نمونه، مسئله تمکین زن از شوهر، مسئله‌ای بسیار مهم بود (فرگرد ۶۳) (نوری، ۱۴۰۸: ج ۱۴، ص ۲۴۳، فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ج ۲۱، ص ۷۰). این مسئله هم از باب مسئله باروری است و هم بیشتر از آن جنبه است که فساد را در جامعه کاهش دهد. نظر به سنخ گرایز جنسی در مردان تأمین آنها در چهارچوب خانواده بسیار مهم بود. همین مسئله یکی از عواملی بود که بی‌عفتی را در جامعه کاهش می‌داد. دسته‌ای از منابع دینی در اسلام و زرتشتی وجود دارند که صراحتاً مصادیق ناپاک دامنی را ذکر کرده‌اند و با بیان عینی جزای اخروی پرداخته‌اند. در دین اسلام حدیث معراج و دی دین زرتشتی ارداویراف‌نامه از این دسته منابع هستند. فارغ از صحت دینی و روایی این متون، باید مدنظر داشت که تصویری که این روایات از عذاب‌ها و ثواب‌های اخروی به واسطه، پاک دامنی و ناپاک دامنی ارائه می‌کنند، بازدارندگی فردی و اجتماعی خصوصاً در مسئله ناپاک دامنی ایجاد می‌کرد.

حیا در متون معراجی شیعه

همانگونه که در متون زرتشتی ارداویراف‌نامه متن معراجی معتبری است، در متون شیعه، عیون اخبار الرضا منبعی معتبر است که به صورت غیر منسجم و به تبعیت از نظم موضوعی کتاب، به روایت احادیثی پرداخته است که پیامبر اسلام در معراج مشاهده کرده و از ایشان نقل شده است. هرچند این کتاب همچون منابع حدیثی دیگر حاوی احادیث ضعیف است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰/۲)؛ اما علمای شیعی مانند علی أصغرین سید حسین حکیم، محدث جزائری سید نعمه‌الله بن عبدالله، (متوفای ۱۱۱۲) مولی هادی بنابی، محمدعلی حزین بن‌ابی طالب (متوفای ۱۱۸۱) بر این کتاب شرح نوشته‌اند. (تهرانی، ۱۴۰۸: ۳۷۵/۱۳) این کتاب تألیف شیخ صدوق متوفی ۳۸۱ ه.ق. است. از این رو، ازجمله متون متقدم شیعه محسوب می‌شود و از این جهت اهمیت بیشتری نسبت به متون متأخر دارد. هرچند هدف این پژوهش بررسی حدیثی و صحت و سقم روایات نیست؛ اما این کتاب نزد علمای شیعه جایگاه مهمی داشته و مورد توجه این مقاله است. علاوه بر آن فارغ از رویکرد حدیثی می‌توان

به مسئله فرهنگی «حیا» و «عفاف» در این کتاب به خوبی پی برد. ازاین رو، در یک بررسی فرهنگی در تاریخ ایران - امتداد و پیوستگی تاریخی فرهنگ حیا و عفاف - می توان به هر دو متن به مثابه یک پیوستار فرهنگی از نظر روند تاریخی توجه نمود. در این کتاب ۱۰۶۴ روایت ذکر شده است که از میان آنها ۷ تعداد روایات معرجی حضرت رسول بوده و یک روایت مربوط به زنان است. ازاین رو، در یک نگاه کلی، نسبت به ارداویراف نامه روایات مشخص کمتری مربوط به حسن و قبح رفتار زنان در آخرت دارد. این امر را می توان در این تفاوت دینی میان دین اسلام و آیین زرتشتی دانست که دین اسلام آزادی بیشتری برای زنان قائل بود و نسبت به دین زرتشتی نگاه منفی به زنان نداشت (صادقی، ۱۳۹۴). شاخص ترین روایات در مورد حیای زنان در این کتاب شامل موارد زیر است:

«علی بن عبدالله الوزاق، از عبدالعظیم حسنی، از امام جواد (علیه السلام) روایت کرده که گفت: پدرم به واسطه آباء گرامش از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل کرد که فرمود: من و فاطمه بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شدیم. پس ایشان را درحالی که سخت می گریست، یافتیم. من عرض کردم: پدر و مادرم فدایت یا رسول الله! چه باعث شده که شما این چنین گریه می کنید؟ در پاسخ فرمود: ای علی! شبی که مرا به آسمان بردند (معراج) زنانی از ائمتم را در عذابی شدید، نگریستم و آن وضع برای من سخت گران آمد. گریه ام از جهت عذاب سخت آنان است که به چشم خویش وضعشان را دیدم (شرح واقعه بدین قرار است):

زنی را به مویش در دوزخ، معلّق، آویخته بودند که مغز سر او می جوشید. زن دیگری را دیدم که به زبانش در جهنم آویزان بود و آتش در حلقوم او می ریختند. زن دیگری را مشاهده کردم که او را به پستان هایش آویخته بودند و دیگری را دیدم که گوشت بدن خویش را می خورد و آتش در زیر او شعله می کشید. زنی دیگر را دیدم که پاهایش را به دست هایش زنجیر کرده بودند و مارها و عقرب ها بر او مسلط بودند و زنی را دیدم که کور و لال که در تابوتی از آتش است و مخ او از بینیش خارج می شود و همه بدنش قطعه قطعه از جذام و برص (خوره و پیسی) است و زن دیگر را مشاهده کردم که در تنوری از آتش به پاهایش آویزان است. زنی را دیدم که گوشت بدنش را از پس و پیش با قیچی آتشین می برند و دیگری را دیدم صورت و

دست هایش آتش گرفته و مشغول خوردن روده‌های خویش است. زنی را دیدم که سرش سرخو و بدنش بدن حمار است و هزار نوع او را عذاب می‌کنند و زنی را به صورت سگ دیدم که از عقب به شکم او آتش می‌ریزند و از دهانش بیرون می‌ریزد و فرشتگان با گرزهایی آتشین بر سر و پیکر او می‌زنند.

پس فاطمه (سلام الله علیها) به پدرش عرض کرد: ای حبیب من و ای نور دیدگانم، به من بگو که اینان چه کرده بودند و رفتارشان چه بود که به این عقوبت گرفتار شدند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: ای دختر عزیزم، اما آن زنی که به موی سرش معلق در آتش بود، آن فردی بود که موی سر خویش از نامحرمات نمی‌پوشانید و اما آن زنی که به زبانش آویخته بود، او کسی بود که با زبان، شوهر خویش را آزار می‌داد. آنکه به پستان هایش آویزان بود، شوهرداری بود که از آمیزش با شویش پرهیز داشت و اما آنکه به پاهایش معلق در دوزخ بود، کسی بود که بدون اذن همسر خود، از خانه بیرون می‌رفت؛ اما آن زنی که گوشت بدن خویش را می‌خورد آن بود که خود را برای نامحرمات زینت می‌کرد؛ اما آنکه دست و پایش را به هم زنجیر کرده بودند و مارها و عقرب‌ها بر او مسلط بودند، زنی بود که درست وضو نمی‌ساخت و لباسش را از آلودگی به نجاست، تطهیر نمی‌کرد. غسل جنابت و حیض به جای نمی‌آورد. خود را نظیف نمی‌ساخت و به نماز اهمیت نمی‌داد؛ و اما آن کر و کور و لال، زنی بود که از غیر شوهر خویش، دارای فرزند می‌شد و به شوهر خود نسبت می‌داد. آنکه گوشت بدنش را با مقراض‌ها می‌بردند؛ پس وی زنی بود که خود را در اختیار مردان اجنبی می‌نهاد و خود را بدان‌ها عرضه می‌نمود؛ اما آن زنی که سر و رویش آتش گرفته بود و مشغول خوردن روده‌های خود بود کسی بود که دلالی جنسی به حرام می‌کرد. آنکه سرش، سرخو و بدنش بدن حمار بود، آن زنی بود که سخن چینی به دروغ می‌نمود. آنکه رخسارش رخسار سگ بود و آتش در دبر او می‌ریختند و از دهانش بیرون می‌آمد، آن زنی آوازه‌خوان و نوحه‌گر و حسود بود آنگاه پیامبر (ص) فرمود: وای بر زنی که شوی خویش را به غضب آرد و خوشا به حال بانویی که شوهرش از او راضی باشد». (ابن بابویه، ۱۳۷۲: ۶۶۳/۱-۶۶۴)

از جهت سلبی این روایات بر قبح بی حیایی و بی عفتی دلالت دارند که این خود در مفهوم مخالف به وضوح نشانگر اهمیت حیا و عفاف برای زنان در فرهنگ اسلامی است. در کنار این روایات صریح در قبح اخلاقی بی حیایی، روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد - روایات غیر معراجی - که بر حسن اخلاقی حیا و عفت تأکید دارند. این روایات متعدد (مصباح الشریعه، ۱۴۰۰: ۱۸۹، تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۸۸، کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶/۲ و ۱۰۶؛ عیاشی، ۱۳۸۹: ۳۷۰/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۵/۶۸؛ شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۳۵/۲۰) در کنار منابع معراجی اسلامی که در این پژوهش مورد توجه است، یک کلیت فرهنگی را تصویر می‌کند که اهمیت حیا را به تصویر می‌کشد. نظر به نزدیکی تاریخی میان متون اولیه اسلامی مانند کتب اربعه شیعه و المحاسن و بصائر الدرجات با متون زرتشتی، از نظر روشی می‌توان بهتر پیوستگی تاریخی را در آنها مشاهده نمود. در میان این روایات موارد معدودی با تشویق منفی (عذاب) به حیا دعوت نموده‌اند در حالی که بسامد تشویق مثبت (پاداش) برای حیا به مراتب بیش از روایات بازدارند است. مجموع روایات مربوط به حجاب در میان کتاب‌های متقدم - المحاسن، بصائر الدرجات، کتب اربعه و عیون اخبار الرضا - روایت است. از این رو، می‌توان تفاوت محسوسی میان رویکرد معراجی زرتشتی ارداویراف با متون اسلامی در مورد مسئله حیا برای زنان مشاهده نمود. بیشتر روایات ارداویراف نامه مبتنی بر بازدارندگی عذاب برای زنان است در حالی که متون اسلامی براساس آمار استخراج شده تأکید بیشتری بر تشویق مثبت در مورد امر حیا دارند. می‌توان این احتمال را قوی دانست که روایت معراجی در عیون اخبار الرضا که به عذاب زنان بی حیا در جهنم پرداخته است، از جهت عینی کردن قبح این امر است و روایت بی نظیر محسوب می‌شود. با وجود این تفاوت در بسامد نوع مواجهه با بی حیایی می‌توان به امر مشترکی میان هر دو متن برخورد که عبارت است از قبح بی حیایی و حسن اخلاقی حیا. از این رو، از نظر فرهنگی در جغرافیای فلات ایران می‌توان با تفاوت‌های جزئی در نحوه ارائه، استمرار فرهنگی در مورد مسئله حیا به خصوص در مورد زنان رسید. براساس این تفاوت‌ها باید مدنظر داشت که محدود بودن روایات اسلامی در مورد زنان به ویژه از جهت مسائل شخصی مانند دشتان (قاعدگی) نمی‌توان مانند روایات ارداویراف نامه آنها را از نظر شدت عذاب دسته‌بندی کرد. این خود دلالت بر شدت این سخت‌گیری‌ها در دین

زرتشتی است. می‌توان مؤید این ادعا را در متون فقهی اسلامی و زرتشتی در زمینه زنا و تعداد شهود برای اثبات آن و مسئله ملاعنه جست‌وجو کرد که در این پژوهش مورد بحث نیست.

جایگاه زن در کیش زرتشتی

در متون مقدس دین زرتشتی مانند یسنا و یشت‌ها و گاهان نشانه‌هایی از نگرش مثبت به زن موجود است:

«پس بهترین گفته‌ها را با گوش بشنوید و با اندیشه‌ای روشن بنگرید؛ سپس هر مرد و زن از شما از این دو راه نیکی و بدی، یکی را برای خود برگزیند. این آیین را پیش از آنکه روز بزرگ، روز برگزینی راه زندگانی معنوی و مادی فرارسد، دریابید و نیک بفهمید» (یسنا، هات ۳۰ بند ۲). در این متن زن به مثابه گرونده دین زرتشتی به رسمیت شناخته می‌شود. تلقی دیگر از زن در گاهان، نقش طبیعی او در زادن و پرورش فرزندان است که موجب تداوم نسل بشر می‌شود. این وظیفه، سبب می‌شود تا زن به علت ضرورت زیستن با دیگران و پرورش فرزندان، هنجارهای اجتماعی را پذیرفته و به آن گردن نهد. همین وظیفه او را به رستگاری خواهد رساند: «آن مرد یا زن که از برای من، ای اهورامزدا به جای آورد آنچه را که تو از برای «هستی» بهترین دانستی، راستی برای راستی و شهریاری اندیشه نیک، کسانی که ایشان را به نیایش شما برگمارم، [پس] آن ما را با همه آنان از چینود پل خواهم گذشت» (یسنا، هات ۴۶ بند ۱۰).

در اوستا، از جمله فروردین یشت، هرجا از روان مردان پاک و پرهیزگار سخنی به میان آمده است، بلافاصله روان چنین زنانی نیز بیان شده و به آنها نیز درود فرستاده شده است: «... فروهرهای مردان پاکدین ممالک ایران را می‌ستاییم، فروهر زنان پاکدین ممالک ایران را می‌ستاییم... (فروردین یشت، کرده ۳۱، بند ۱۴۳) در هفتن یشت نیز که برخی آن را منسوب به خود زرتشت می‌دانند، آمده است: «این چنین ما زنان این زمین را... می‌ستاییم و آن زنان که از آن تو هستند، از پرتو راستی ممتازند». (هفتن یشت بزرگ، یسنا ۳۸، بند ۱) به خصوص، بندی که بیش از ده بار در یسنا تکرار شده، چنین است: «... به فروهرهای پاکدینان و زنان با گروه فرزندان خانه نیک».

(یسنا، بند ۱۱؛ یسنا بند ۱۸ یسنا ۳ بند ۱۷ یسنا ۱ بند ۶؛ یسنا بند ۵ یسنا ۸ بند ۱۰)

در گاهان، گزارش ازدواج جوان‌ترین دختر زرتشت به نام «پور چیستا» آمده است: زرتشت او را خطاب قرار داده و می‌گوید: ای پور چیستا از دودمان هیچدست و از خاندان اسپنتمان، ای جوان‌ترین دختر زرتشت، او (جاماسب) را که دارای منش پاک و اندیشه درست و بلند است، او را که به خداوند بستگی و ایمان ناگسستنی دارد، در جایگاه همسر و سرور تو برگزیدم، ولی این گزینش من که پدر تو هستم کافی نیست، بلکه برو با خرد خویش مشورت کن. (گاتها هات ۵۳، بندهای ۳ و ۴ و ۶-۸)

از آنجاکه قدمت این متون نسبت به متن بندهشن بیشتر است و مانند متون دوره ساسانی و پس از آن نگاه منفی به زنان را کمتر دارد، می‌توان نگاه دوران متقدم زرتشتی را به زنان مثبت‌تر ارزیابی کرد. این در حالی است که در متون متعلق به دوره ساسانی زن به چهره‌ای بد تبدیل می‌شود در این متون خلقت زن اگرچه توسط هرمزد صورت می‌گیرد، زن به اولین مؤنث ماورایی، جهی، دختر اهریمن منتسب می‌شود. (فرنبرگ دادگی، ۱۳۹۷: ۸۴) عارضه قاعدگی (دشتان) نماد اهریمنی بود که هر ماه در زن آشکار می‌شد. اهورایی‌ترین شکل زن، زادن مرد بود (Secunda, 2014: 83-108). هرچند زنان می‌توانستند با تزکیه به افرادی مؤمن و مقدس تبدیل شوند. توصیفی که در ارداویراف‌نامه از خواهران ویراف ارائه شده است این نکته را تصریح می‌کند. (عفیفی، ۱۳۹۷: ۲۴)

شاید بتوان یکی از دلایل اهمیت مرد نسبت به زن در دین زرتشتی دوره ساسانی را در انگاره رقابت خیر و شری دانست که جنگی بی‌پایان تا آخر دنیا را شکل می‌دهد. در این نبرد مرد با توان جسمی و عقلانیت منطقی در برابر تفکر احساسی زنانه، برای سپاه خیر، از زنفیدتر است. با این حال می‌توان آن را در قالب کارکردگرایانه‌ای نیز تبیین کرد که حفظ مرزهای ایران در برابر انیران و جنگ‌های بی‌پایان آن و نیز شرایط سخت کشاورزی در جغرافیای نسبتاً خشک ایران، بیشتر نیاز به توان مردانه برای انجام کارهای دشوار داشت. از این جهت مرد اهمیتی بیش از زن پیدا کرد. با این حال هرچند منزلت زن در دوره ساسانی کاسته شده بود، در فقه زرتشتی، جایگاه مشخص و حقوق خاص داشت (احمد، ۱۳۹۶: ۳۱-۳۵) و نسبت به ملل هم‌دوره خود از شرایط خوبی برخوردار بود. فاطمه صادقی در این باره می‌گوید: «وضعیت

زن در خانواده پدرسالار ساسانی از همتای رومی خود پایین‌تر و از همتای سامی بین‌النهرینی خود اندکی بهتر بود. به‌ویژه با وجود رسم‌هایی چون تعدد زوجات و پرده‌نشینی، زن در ایران ساسانی نسبت به زن رومی از حقوق کمتری برخوردار بود؛ اما با در نظر گرفتن رسم‌هایی چون ختنه کردن زنان در مصر و برخی سرزمین‌های بین‌النهرین و ضدیت عامدانه با زن در برخی فرهنگ‌های حوزه میانرودان (بین‌النهرین) و نفوذ فرهنگ ایلامی در باورهای ایرانی، زن ایرانی در این زمان نسبت به همتای بین‌النهرینی خود در وضعیت بهتری قرار داشت. مقایسه وضعیت زنان در ایران ساسانی با دیگر همسایگان آن از مشترکات و تفاوت‌هایی حکایت دارد. ازجمله در روم نیز پسران و دختران همچون ایران ساسانی نمی‌توانستند قرارداد ازدواج معتبر را بدون اجازه پدر به امضا برسانند و این اصل در تمام دوران باستان متأخر (از قرن سه تا هفت میلادی) تغییر نکرد. نظام خانواده در دوره ساسانی نظامی پدرسالار است که در آن روابط قدرت مبنی بر جنسیت و طبقه عمدتاً از طریق آیین و اخلاق شکل می‌گیرد. این نظم از حوزه خصوصی آغاز شده، به حوزه اجتماعی تسری می‌یابد. ساختار خانواده در این دوره از کارکردی انضباطی برخوردار است که مرزهای فیزیکی و روانی غیر قابل تعرضی را پدید می‌آورد. ازاین‌رو، نظم جنسی در حوزه خصوصی آئینه نظم اجتماعی است و بالعکس. (صادقی، ۱۳۹۴: ۱۰۲-۱۰۵)

جایگاه زنان در ارداویراف‌نامه

زنانی که در ارداویراف‌نامه از آنها بحث شده، به دو گروه کلی دنیوی و اخروی تقسیم می‌شوند. منظور از زنان دنیوی، زنانی است که ارداویراف قبل از عزیمت به سفر روحانی خود، با آنها روبه‌رو بوده (هفت خواهر او) و مقصود از زنان اخروی، زنانی است که او در معراج خود مشاهده کرد. در این نوشتار صرفاً به احوال زنان اخروی پرداخته می‌شود.

زنان در آخرت

در این بخش از نوشتار به سفر ارداویراف به دنیای مردگان پرداخته می‌شود. او در این سفر با منازل از بهشت و دوزخ مواجه می‌شود. بهشت و جهنم در سفر روحانی ارداویراف، دارای ۹۱

مرحله بود که ۸۳ منزلگاه (۹۱٪) مربوط به جهنم و ۸ منزلگاه (۹٪) مربوط به بهشت است. از ۸۳ مرحله جهنم، ۳۲ مرحله (۳۹٪) مختص مردان، ۲۷ مرحله مختص زنان (۳۳٪) و ۶ مرحله (۷٪) بین مردان و زنان مشترک است. در ۱۸ مرحله باقیمانده (۲۱٪) اشاره‌ای به مرد یا زن بودن افراد معذب در دوزخ نشده است. قابل ذکر است به تناسب محور تحقیق که بررسی آماری جایگاه زنان در جهنم ارداویراف‌نامه می‌باشد، به مراحل از دوزخ پرداخته می‌شود که مختص زنان است.

۱. عذاب‌های روانی (شدت عذاب ۱)

در ۳۳ فرگرد از ارداویراف‌نامه، زنان در حال عذاب هستند. از مجموع ۳۳ عذاب، تعداد ۷ عذاب، روانی بوده و دارای شدت عذاب ۱ هستند. این عذاب‌ها به این صورت بودند که طشت چرک و پلیدی به خورد او می‌دادند. (فرگرد ۲۰) نسای خویش می‌خورد. (فرگرد ۳۵) دشتان خود می‌خوردند. (فرگرد ۶۸ و ۷۲) از زبانشان چند مار آویخته شده بود. (فرگرد ۸۲). نسای خویش می‌خوردند. (فرگرد ۸۳) می‌ریزند و می‌خوردند. (فرگرد ۹۸)

گناهانی که چنین مجازات‌هایی را در پی داشتند به ترتیب، موارد زیر بودند: به دشتان پرهیز نکردن، دادانه رفتار نمودن و به آب و آتش شدن (فرگرد ۲۰)، جادوگری (فرگرد ۳۵)، بهان و درویشان و ارزانیان و کاروانیان خوار کردن، یزدان را نکوهیدن، پرستیدن بت، اندیشه بد، گفتار بد و کردار بد، وفاداری به دین اهریمن و دیوان (فرگرد ۶۸)، پرهیز نکردن به دشتان، آزدن آب، آتش، سپندارمذ زمین، خرداد و آمرداد، نگریدن بر آسمان، خورشید، ماه، ستور و گوسفند به هنگام دشتان آزدن و مرد پاک را ریمن داشتن (فرگرد ۷۲)، آزدن شوهر به وسیله زبان، (فرگرد ۸۲) نهان از شوهر گوشت خوردن و به کس دیگر دادن (فرگرد ۸۳)، نسای به گناهکاری جویدن، سگ آبی را کشتن، زدن و کشتن دیگر آفریدگان اورمزد. (فرگرد ۹۸)

۲. عذاب‌های جسمی همراه با درد شدید. (شدت عذاب ۲)

همچنین از مجموع ۳۳ عذاب، تعداد ۱۶ عذاب، جسمی همراه با درد شدید هستند که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده و دارای شدت عذاب ۲ هستند. این قبیل عذاب‌ها به این صورت بودند که به سینه، به دوزخ آویخته شده بود و جانوران موذی همه

تن او می‌گرفتند. (فرگرد ۲۴) جانور موزی، پا، گردن و میان تنه آنها می‌جوید و از یکدیگر جدا می‌کرد. (فرگرد ۲۵) زبان به گردن همی کشید و در هوا آویخته بود. (فرگرد ۲۶) جانوران موزی، تن او می‌جویدند. (فرگرد ۳۴) به سینه، کوهی می‌کند و سنگ آسیایی مانند کلاه، بر سر داشت. (فرگرد ۴۴) سرازیر در دوزخ آویخته شده بود و جانوران موزی، تن او را می‌جویدند. (فرگرد ۳۷) به شانه آهنین، سینه خود می‌برید. (فرگرد ۶۲) تنور گرم می‌لیسد و دست خود زیر آن تنور می‌سوخت. (فرگرد ۶۳) زبان، آخته بود و مارها، دهان او را می‌جویدند. (فرگرد ۶۶) میخ چوبین در چشمانش زده بودند، سرازیر آویخته و موجودات موزی به بدن آنها در رفت و آمد بودند. (فرگرد ۶۹) پوست آهنین به تن پوشانند و دهان باز آوردند و باز به تنور گرم نهادند (فرگرد ۸۵). ماری هولناک به تن برشد و به دهان بیامد. (فرگرد ۸۶) با شانه آهنین، تن و روی خود می‌زند و با سینه، کوهی آهنین می‌کند (فرگرد ۸۷). سینه خود به تابه گرم نهاده بودند و پهلوی به پهلوی می‌گردانیدند. (فرگرد ۹۴) با سینه، کوهی را می‌کند در حالی که تشنه و گرسنه بود (فرگرد ۹۵)؛ زبانش بریده بود. (فرگرد ۹۷)

گناهانی که سبب عذاب‌های جسمی همراه با درد شدید شدند نیز به ترتیب، موارد ذیل بودند: رها کردن شوهر و روسپی‌گری (فرگرد ۲۴). یک پا در کفش و بدون پیراهن راه رفتن، ایستاده شاشیدن و دیوپرستی کردن (فرگرد ۲۵). پست انگاشتن شوهر و بدزبانی با او. (فرگرد ۲۶) موی خود بر آتش افکندن و آتش زیر تن نهادن (فرگرد ۳۴). از آب و آتش پرهیز نکردن، پلیدی و چرک به آب و آتش بردن و با نگاه بد، آتش را کشتن. (فرگرد ۳۷) کودک خویش را تباه کردن و انداختن. (فرگرد ۴۴) پست انگاشتن شوهر، آراستن خود و ناپاک دامنی با مرد بیگانه. (فرگرد ۶۲) بدزبانی کردن با شوهر، نافرمان‌بردار بودن، تمکین نکردن، خواسته از شوهر دزدیدن و پنهانی اندوخته خویش کردن. (فرگرد ۶۳) سخن‌چینی (فرگرد ۶۶) و با مردی غیر از شوهرش خفتن. (فرگرد ۶۹) پیمان شوهر شکستن و با مرد گناهکار خفتن. (فرگرد ۸۵). تباه کردن خوی‌توگ‌دس (فرگرد ۸۶)؛ شیر ندادن به کودک به سبب شهوت‌رانی (فرگرد ۸۷). شیر ندادن به کودک، تباه کردن او برای سود، شیر به کودک دیگران دادن. (فرگرد ۹۴) شیر ندادن به کودک، رها کردن او و با مرد بیگانه خفتن (فرگرد ۹۵) و دروغ بسیار گفتن. (فرگرد ۹۷)

۳. عذاب‌های جسمی-روانی (شدت عذاب ۳)

شش عذاب‌های جسمی-روانی نیز بیان شده است. نحوه اعمال این قسم از عذاب‌ها به شرح ذیل هست: در حالی که می‌گریست، پوست و گوشت از سینه خویش می‌کند. (فرگرد ۵۹) گریان و نالان آمد و رفت، بر سرش تگرگ می‌آمد، زیر پایش روی گداخته ریخته می‌شد و سر و روی خویش به کارد می‌برید. (فرگرد ۶۴) سرازیر، آویخته شده بودند و خارپشت مانند، آهن با خار از او روییده بود و قطره قطره، منی دیوان و چرک به دهان و بینی آنها می‌رفت. (فرگرد ۷۰) از انگشتانشان خون و چرک می‌آمد و می‌مزیدند و می‌خوردند و به هر دو چشم، کرم می‌آمد. (فرگرد ۷۳) به سینه، کوهی آهنین می‌کند و کودکی از آن جای کوه می‌گریست و کودک و مادر به هم نمی‌رسیدند. (فرگرد ۷۸) در دوزخ در فضایی پر از زخم و درد و تاریکی قرار داشتند و به عذاب‌های گوناگون مجازات می‌شدند. با میخ چوبین، زبان رندیده بودند، به صورت نگونسار فرود می‌آمدند و دیوها با شانه آهنین تن ایشان را می‌کندند. (فرگرد ۹۹)

گناهانی که زنان به موجب آنها دچار عذاب‌های فوق شدند، موارد ذیل بودند: رها کردن کودک خود (فرگرد ۵۹) و آبستن شدن از مرد بیگانه و تباه کردن کودک. (فرگرد ۶۴) دروغ گفتن به شوهر، خشنود نبودن از او و تمکین نکردن (فرگرد ۷۰). آراستن خود، پیراستن موی دیگران و بستن چشم یزدان و مردمان (فرگرد ۷۳). آبستن بودن از غیر شوهر، انکار آبستنی و تباه کردن کودک. (فرگرد ۷۸) نافرمانبرداری نسب به خدایان (سروران و شهریاران) و دشمنی نسبت به لشکر خدایان. (فرگرد ۹۹)

۴. عذاب‌های منجر به مرگ در دنیا (شدت عذاب ۴)

عذاب‌های جسمی که در دنیا منجر به مرگ می‌شدند، کمترین تعداد را در بین عذاب‌های زنان دارند. تعداد این عذاب‌ها ۴ است و به انحاء ذیل اعمال می‌شدند: جدا شدن سر از بدن (فرگرد ۵۷)؛ بریدن سینه خویش با دست و دندان، دریدن شکم توسط سگ‌ها و با پا بر روی داغ قرار گرفتن (فرگرد ۷۶)؛ خورد مغز سر توسط جانوران موزی... (فرگرد ۸۱) و دریده شدن شکم. (فرگرد ۸۴)

گناهای که سبب عذاب‌های مذکور شدند، موارد زیر بودند: شیون بسیار. (فرگرد ۵۷) به هنگام دشتان، خورش ساختند و به مرد پاک خوراندن، جادویی پرسیدن و سپندارمِ زمین و مرد پاک را آزردن (فرگرد ۷۶)؛ روسپی‌گری و جادویی بسیار (فرگرد ۸۱)؛ سمی کردن آب و به خورد مردمان دادن. (فرگرد ۸۴)

از مجموع ۳۳ عذاب، تعداد ۷ عذاب، ۲۱٪ کل عذاب‌های زنان، روانی بوده که درجه ۱ می‌گرفتند، ۱۶ عذاب، ۴۸٪ کل عذاب‌های زنان، جسمی همراه با درد شدید بود که درجه ۲ می‌گرفتند و بیشترین نوع عذاب بودند، ۶ عذاب، ۱۸٪ کل عذاب‌های زنان، جسمی-روانی بوده که درجه ۳ می‌گرفتند و ۴ عذاب، تنها ۱۲٪ کل عذاب‌های زنان، جسمی منجر به مرگ در دنیا بوده که درجه ۴ می‌گرفتند.

۱. عذاب‌های روانی؛ ۲. عذاب‌های جسمی همراه با درد شدید؛ ۳. عذاب‌های جسمی-روانی و ۴. عذاب‌های منجر به مرگ در دنیا.

زنان در جهنم و انواع گناهان آنها

ارداویراف در سفر روحانی خود با دو گروه از زنان رو به رو می‌شود: زنان بهشتی و زنان دوزخی. تبعات گناهای که زنان به سبب آن به دوزخ افتادند به سه جامعه آماری تعلق می‌گیرد: ۱. جامعه، شامل اجتماع و محیط‌زیست؛ ۲. خانواده، شامل شوهر، فرزند و خویشاوندان؛ ۳. خود.

۱. جامعه

۱-۱. اجتماع

در ۱۴ فرگرد به گناهای پرداخته شد که تبعات اجتماعی داشتند. این قبیل گناهان، هفت نوع بودند: زنا (فرگرد ۶۲، ۶۴، ۶۹، ۷۸، ۸۵ و ۹۵)، جادوگری (فرگرد ۳۵، ۷۶ و ۸۱)، روسپی‌گری (فرگرد ۲۴ و ۸۱)، آرایندگی موی زنان (فرگرد ۷۳)، سمی کردن آب و به خورد مردم دادن (فرگرد ۸۴)، سخن چینی (فرگرد ۶۶) و نافرمانبرداری خدایان. (فرگرد ۹۹)

گناهانی که تبعات اجتماعی داشتند بیشترین تعداد (۱۴) را در بین گناهان به خود اختصاص دادند که معادل ۳۰٪ کل گناهان زنان در ارداویراف نامه است. از این تعداد، عذاب فقط ۱ مورد (۷٪) درجه ۱، ۶ مورد (۴۳٪) درجه ۲، ۴ مورد (۲۹٪) درجه ۳ و ۳ مورد (۲۱٪) درجه ۴ بود. نظر به اینکه عذاب منجر به مرگ، شدیدترین عذاب‌ها محسوب می‌شد و از طرفی، تنها در ۴ فرگرد ذکر شده و ۳ مورد از این ۴ مورد، مربوط به گناهانی بوده که تبعات اجتماعی داشتند، این نتیجه به دست آمد که از منظر آیین زرتشت، این نوع از گناهان بیشتر از انواع دیگر، عذاب منجر به مرگ در پی داشته‌اند و قبیح‌ترین گناهان هستند.

۲-۱. محیط زیست طبیعی

محیط زیست به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. محیط زیست انسانی که مربوط به روابط انسان‌ها با یکدیگر و ارتباط آنها با محیط پیرامون زندگی خود است.

۲. محیط زیست طبیعی که مربوط به چرخه حیاتی جانوری، گیاهی و آب و هوایی زمین و نقش انسان در این چرخه است. (ابراهیم نیا، ۱۳۸۳: ۱۱۴)

در کیش زرتشتی هر چیزی که به بهزیستی آدمی یاری رساند، ستوده شده است؛ از این رو علاوه بر محیط زیست انسانی، محیط زیست طبیعی و مظاهر طبیعت نیز مورد ستایش بوده (نیکبخش، ۱۳۸۹: ۱۹۶) و احکام فقهی خاصی در این رابطه وضع شده که رعایت نکردن آن احکام، کیفرهای سنگینی به دنبال خواهد داشت. ارداویراف در معراج خود، چند دسته از زنان را در حال عذاب مشاهده کرد که برخی علل عذاب آنها موارد ذیل بودند: شکستن حرمت آب و آتش، نگریستن بر آسمان، خورشید و ماه، آزدن ستور و گوسفند در هنگام دشتان، (فرگرد ۷۲) بی حرمتی نسبت به آتش، (فرگرد ۳۴) نگه نداشتن حرمت آب و آتش، (فرگرد ۲۰) ریختن چرک به آب و آتش، (فرگرد ۳۷) آزدن و کشتن حیوانات (مانند سگ آبی). (فرگرد ۹۸)

در ۶ فرگرد به گناهای که زنان نسبت به محیط زیست مرتکب شدند، اشاره شده است که این تعداد، معادل ۱۳٪ گناهان زنان در ارداویراف نامه است. عذاب ۳ مورد (۵۰٪) از این نوع از گناهان درجه ۱ (روانی)، ۲ مورد (۳۳٪) درجه ۲ (جسمی) و ۱ مورد (۱۷٪) درجه ۴ (منجر به مرگ) بود.

۲. خانواده

۱-۲. شوهر

یکی از شاخص ترین گناهان زنان در ارداویراف نامه، مربوط به رابطه زن با شوهرش است. این نوع از گناهان بیشتر به تلاش مردان در تثبیت موقعیت مردسالارانه خود در جامعه زرتشتی مربوط می شد. (جلالی، زنگی آبادی: ۱۳۹۲، ۳۹) در ۱۲ فرگرد به این قبیل گناهان اشاره شده است: خیانت (فرگرد ۲۴، ۶۲، ۶۴، ۶۹، ۷۸، ۸۵ و ۹۵) آزدن با زبان به انحاء مختلف (فرگرد ۲۶، ۶۳ و ۸۲)، تمکین نکردن (فرگرد ۶۳)، پیمان دروغ بستن با او (فرگرد ۷۰)، خشنود نبودن از او (فرگرد ۷۰) و نهانی از او گوشت خوردن و به کس دیگر دادن. (فرگرد ۸۳)

گناهان زنان در قبال شوهر، بعد از گناهای که اثرات سوء اجتماعی به دنبال داشتند، دومین گناه پر بسامد در ارداویراف نامه است که ۲۶٪ از گناهان زنان را به خود اختصاص داده است. از کل این گناه ها (۱۲ مورد)، عذاب ۲ مورد (۱۷٪) نوع ۱ (روانی)، ۷ مورد (۵۸٪) درجه ۲ (جسمی) و ۳ مورد (۲۵٪) درجه ۳ (جسمی-روانی) هستند. با این حال با وجود بسامد زیاد گناهان زنان نسبت به شوهر و منع شدید از این قبیل گناهان، بین شدت این عذاب ها، درجه ۴ در دیده نمی شود.

۲-۲. فرزند

زنان نوع دیگری از گناهان را نسبت به فرزند خود مرتکب شدند که در ۷ فرگرد (۱۵٪ عذاب های زنان) به این مسئله پرداخته شده است. بخش عمده ای از این قبیل گناهان به دو دلیل انجام می شد: سقط کردن کودک به سبب نامشروع بودن (فرگرد ۶۴ و ۷۸)، خودخواهی، مال دوستی یا وفقر (فرگرد ۵۹، ۸۷ و ۹۴)؛ در ۲ فرگرد نیز به ظلم زنان نسبت به کودک، اشاره نشده است. (فرگرد ۴۴ و ۹۵)

این نوع از گناهان، ۱۵٪ از عذاب‌های زنان را به خود اختصاص داده است. گناهان زنان در مورد کودکان ۴ مورد (۵۷٪) درجه ۲ و ۳ مورد (۴۳٪) درجه ۳ بودند.

۳-۲. خویشاوندان (عدم ازدواج با خویشاوندان)

در عصر ساسانیان، خویدوده یا خویتوکدس، از مهم‌ترین دستورات دینی زرتشتی بوده و ترک آن، از بزرگ‌ترین گناهان به حساب می‌آمد. در ارداویراف‌نامه به این گناه نیز اشاره شده است (فرگرد ۸۶). همانگونه که ذکر شد، تنها در ۱ فرگرد به گناه زنان در قبال خویشاوندان اشاره شده که ۲٪ گناهان زنان را شامل می‌شود و عذاب آن، درجه ۲ (عذاب جسمی) بوده است.

۳. خود

در ارداویراف‌نامه، ۷ بار (۱۵٪ عذاب‌های زنان) به گناهی که زنان علیه خودشان مرتکب شدند، اشاره شده است. شیون بسیار کردن (فرگرد ۵۷)، پرهیز نکردن به دشتان (فرگرد ۲۰ و ۷۲)، یک پا در کفش کردن، عدم رعایت مسائل بهداشتی و دیوپرستی (فرگرد ۲۵)، آرایش کردن (فرگرد ۷۳)، پست شمردن بهان، درویشان، افراد مستحق، کاروانیان، نکوهیدن یزدان، بت پرستی، اندیشه، گفتار و کردار بد، وفاداری به دین اهریمن و دیوان (فرگرد ۶۸) و دروغ بسیار گفتن. (فرگرد ۹۷)

همانگونه که بیان شد گناهان زنان علیه خودشان ۷ مورد بوده (۱۵٪) که عذاب ۳ مورد (۴۳٪) درجه ۱، ۲ مورد (۲۹٪) درجه ۲، ۱ مورد (۱۴٪) درجه ۳ و ۱ مورد (۱۴٪) نیز درجه ۴ بود.

نتیجه‌گیری

نظر به کارکردهای حیا در بافتار جامعه ایرانی می‌توان اشتراکات بسیاری در متون دینی زرتشتی و اسلامی در مورد حیا یافت. این مسئله در ارداویراف‌نامه که به نوعی تلاشی برای ویرایش نیکی در جامعه زرتشتی بود به مراتب پررنگ‌تر از متون اسلامی است. ازاین‌رو، شدت مجازات‌هایی که در مورد مواردی که مستقیماً بی‌حیایی محسوب شده یا منجر به

بی‌حیایی می‌شوند بیش از متون اسلامی است. براساس حقوق مدون‌تر و آزادی بیشتری که زنان در اسلام داشتند، اینگونه بیان کرد که تشویق منفی (عذاب) در متون اسلامی کمتر مدنظر بوده است و در کنار آن احادیث غیر معراجی متعددی می‌توان یافت که دلالت بر اهمیت حیا دارند. در مورد تشویق‌های منفی اشتراکات متعددی می‌توان میان متن اسلامی و متن زرتشتی یافت. بدین ترتیب در یک نگاه کلی می‌توان دریافت که در مسئله حیا و به‌ویژه در مورد حیای زنان، استمرار فرهنگی در جامعه ایران وجود داشته است. این استمرار خود یکی از متغیرهایی بود که پذیرش دین اسلام را برای ایرانیان آسان‌تر کرد. این موضوعی است که می‌تواند در پژوهش‌های بعدی به آن پرداخته شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیم نیا، رضا. (پاییز ۱۳۸۳). «اهمیت محیط‌زیست در ایران باستان». تاریخ‌پژوهی، سال ۶. شماره ۲۰. ۱۱۳-۱۲۲.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۲). عیون أخبار الرضا علیه السلام. ترجمه حمیدرضا مستفید، علی اکبر غفاری. تهران: صدوق.
۴. احمد، لیلا. (۱۳۹۶). زن و جنسیت در اسلام، ریشه‌های تاریخی جدال امروزی. ترجمه فاطمه صادقی. تهران: نگاه معاصر.
۵. آموزگار، ژاله. (۱۳۹۶). زبان، فرهنگ، اسطوره. تهران: معین.
۶. جلیل دوستخواه، (۱۳۸۵)، اوستا، تهران: مروارید.
۷. اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱). دانشنامهٔ مزدیسنا. تهران: نشر مرکز.
۸. بهار، مرداد. (۱۳۹۱). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگه.
۹. بهار، مهرداد. (۱۳۸۶). ادیان آسیایی. تهران: چشمه.
۱۰. بهار، مهرداد. (۱۳۹۶). پژوهشی در اساطیر ایران. تهران: آگه.
۱۱. بهار، مهرداد. [بیتا]. اساطیر ایران. انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غررالحکم و درر الکلم. تصحیح سید مهدی رجائی. قم: دارالکتاب الإسلامی.
۱۳. تهرانی، آقابرگ. (۱۴۰۸). الذریعة إلى تصانیف الشيعة. قم: اسماعیلیان.
۱۴. جعفری، ابوالقاسم، علیمردی، محمد مهدی، و بیگدلی، فائزه. (زمستان ۱۳۹۳). «زن در هستی‌شناسی زرتشتی؛ محبوب یا منفور؟». معرفت ادیان. سال ۶. شماره ۱. ۱۰۵-۱۲۲.
۱۵. جعفری، علی اکبر. (۱۳۸۵). زرتشت و دین بهی. تهران: جامی.
۱۶. جلالی، ایرج، و زنگی‌آبادی، نرگس. (تابستان ۱۳۹۲). «بررسی مجازات‌های کیفری زنان ایران

- باستان از هخامنشیان تا پایان ساسانیان». فصلنامه مسکویه. سال ۸. شماره ۳۱. ۵۴-۳۱.
۱۷. جمعی از راویان. (۱۳۷۴). نهج البلاغه. تصحیح صبحی صالح. قم: مرکز البحوث الاسلامیه.
۱۸. حیدری، علی، و احمدی تبار، حبیب‌الله. (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). «مقایسه تطبیقی سفرنامه-های تخیلی ارداویراف نامه و «ار» افلاطون». نشریه ادبیات تطبیقی. سال ۶. شماره ۱۱. ۱۳۹-۱۱۹.
۱۹. دادگی، فرنیغ. (۱۳۹۷). بندهش. گزارنده مهرداد بهار. تهران: توس.
۲۰. دارمستر، جیمس. (۱۳۸۴). مجموعه قوانین زرتشت (وندیداد اوستا). مترجم موسی جوان. تهران: دنیای کتاب.
۲۱. دورکیم، امیل. (۱۳۹۱). درس‌های جامعه‌شناسی: فیزیک اخلاقیات و حقوق. ترجمه جمال‌الدین موسوی. تهران: نی.
۲۲. ربیع‌زاده، علی، و حسنی، میرزامحمد. (پاییز و زمستان ۱۳۹۴). «بررسی ساختارهای اقتصادی ارداویراف نامه، پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال ۴. شماره ۲. ۷۴-۵۷.
۲۳. رضی، هاشم. (۱۳۹۴). اوستا: گاتاها، یسنا، یشته‌ها، ویسپرد و خرده اوستا. تهران: بهجت.
۲۴. رضی، هاشم. (۱۳۸۳). زرتشت، پیامبر ایران باستان. تهران: بهجت.
۲۵. مهشید میرفخرایی، (۱۳۶۷)، روایت پهلوی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۶. سلطانی، سیما. (پاییز ۱۳۸۴). «گناهان زنان در ارداویراف نامه». پژوهش زنان. دوره ۳. شماره ۳. ۱۵۴-۱۴۳.
۲۷. سلطانی، منظر، و قربانی جویباری. (بهار ۱۳۹۲). «تحلیل مقایسه‌ای ارداویراف نامه، سیرالعباد، کمدی الهی». فصلنامه علمی-پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی». شماره ۲۸. ۶۶-۳۹.
۲۸. کتایون مزداپور، (۱۳۶۹)، شایست ناشایست، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۹. شیخ حر عاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۳۰. صادقی، فاطمه. (۱۳۹۴). جنسیت در آرای اخلاقی از سه قرن قبل از اسلام تا قرن چهارم هجری. تهران: نگاه معاصر.
۳۱. صادقی، فاطمه. (۱۳۹۴). جنسیت در آرای اخلاقی از قرن سوم پیش از اسلام تا قرن چهارم هجری. تهران: نگاه معاصر.
۳۲. صفدری، علی. (۱۳۹۴). ما و زرتشت. قم: میراث ماندگار.
۳۳. عفیفی، رحیم. (۱۳۹۷). ارداویراف‌نامه یا بهشت و دوزخ در آیین مزدیسنی. تهران: توس.
۳۴. عفیفی، رحیم. (۱۳۸۳). اساطیر و فرهنگ ایرانی در نوشته‌های پهلوی. تهران: توس.
۳۵. عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: المطبعة العلمية.
۳۶. فاطمی (موحد)، سید حسن. (۱۳۹۶). راه راستی (بررسی و نقد باورهای زرتشتیان و باستان ستایان). قم: همای حیدر.
۳۷. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی. (۱۴۰۶). الوافی تحقیق ضیاءالدین علامه. تصحیح کمال فقیه ایمانی. اصفهان: مکتبه الإمام أميرالمؤمنین علی (علیه السلام) العامة.
۳۸. قدیانی، عباس. (۱۳۸۱). تاریخ ادیان و مذاهب. تهران: فرهنگ مکتوب.
۳۹. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۴۰. کارگر، مهدی. (فروردین ۱۳۸۳). «درآمدی بر ارداویراف‌نامه». کتاب ماه ادبیات و فلسفه. ۱۱۶-۱۱۹.
۴۱. راشد محصل. (۱۳۶۶). گزیده‌های زادسپرم، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۴۲. مجتبیایی، فتح‌الله. (۱۳۸۶). «سهروردی و فرهنگ ایران باستان». فصلنامه اشراق. شماره ۴.
۴۳. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۴. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ع. تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب الإسلامية.

۴۵. محمدی، گردآفرین، و نظری، جلیل. (تیر ۱۳۸۸). «مقایسه نگاه ارداویراف نامه و رساله الغفران در دنیای پس از مرگ». فصلنامه ادبیات تطبیقی. سال ۲. شماره ۸. ۱۹۸-۲۱۱.
۴۶. مزدپور، کتایون. (۱۳۷۱، ۱۹۹۲). زن در آیین زرتشتی. آلمان: نوید.
۴۷. مزدپور، کتایون. (۱۳۸۲). زرتشتیان. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
۴۸. منسوب به جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام. (۱۴۰۰). مصباح الشریعة. بیروت: اعلمی.
۴۹. میرفتاح، منصوره. (۱۳۸۸). زرتشت چهره تابناک ایران باستان. تهران: محمد.
۵۰. احمد تفضلی به کوشش ژاله آموزگار. (۱۳۹۸). مینوی خرد. تهران: توس.
۵۱. نقبایی، حسام. [بیتا]. دیانت زرتشت در مقام مقایسه با سایر ادیان. طهران: عالی.
۵۲. نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت. مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث. ۱۴۰۸ ق.
۵۳. نیکبخش، زینب، و غرق، مرضیه. (۱۳۸۹). زرتشت در فراز و نشیب تاریخ. تهران: پل.
54. Dimmock, M., & Fisher, A. (2017). "Conscience." In *Ethics for A-Level* (1st ed., pp. 157-167). Open Book Publishers. <http://www.jstor.org/stable/j.ctt1wc7r6j.13>
55. Secunda, Shai. (2014). "The Fractious Eye: On the Evil Eye of Menstruants in Zoroastrian Tradition." *NUMEN* 61. 83-108.